

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسفه  
غیبت

درس نامه سطح 1

فلسفه  
غیبت

مهدویت: جلسه اول

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

## موضوع: فلسفه و حکمت غیبت امام عصر علیه السلام

روز و شب منتظرم تا که ز دلبر خبر آید      دلبرم از پس این پرده‌ی غیبت به در آید  
خلق گویند که آید، تو مخور غصه و لیکن      ترسم آخر که به وصلش نرسم، عمر سر آید

### مقدمه بحث

برای ورود به بحث چند سوال از دانش آموزان پرسیده می شود تا به کلمه مورد نظر برسیم.

شوش

شهر دانیال پیامبر؟

یاری

کمک و همراهی؟

شاهین بوشهر

تیم سیزدهم لیگ برتر امسال؟

همدان

شهر بوعلی سینا

اکنون از دانش آموزان می خواهیم که حرف اول کلمات را کنار هم قرار داده و کلمه مورد نظر را بیابند.

### کلمه مورد نظر: شیشه

بچه ها! قبل از اینکه وارد اصل بشویم ابتدا از شما می خواهیم به من بگویید که ما در دنیا چند نوع شیشه داریم؟

### جواب دانش آموزان:

به طور طبیعی دانش آموزان جواب های متعددی می دهند.

پس از شنیدن جوابهای دانش آموزان، استاد محترم<sup>۱</sup> می تواند به انواع شیشه اشاره کرده و بحث را به سمت و سوی مشخص برای ارایه هدف مورد نظر درس (فلسفه غیبت) سوق دهد و ادامه دهد: گذشته از تمام تقسیم بندی های مربوط به شیشه، می توان چنین گفت:

1- غالباً که ذهن همه وجود دارد این است که شیشه ها اینگونه هستند که اگر کسی پشت آن قرار داشته باشد هر دو همدیگر را می بینند.

2- برخی از شیشه ها هم وجود دارند که فقط از یک طرف، قابل دیده شدن است.

یعنی دو نفر در طرف قرار دارند، ولی تنها یکی قدرت و امکان دیدن طرف مقابل را دارد ولی طرف دیگر نه. مانند شیشه های فراوانی که امروزه در نمای ساختمانها بکار می برند.

### ورود به بحث

1. در صورت امکان استاد محترم دو نوع شیشه مذکور را با خود همراه برده و به صورت عینی به دانش آموزان نشان دهد.

بله بچه ها! **نوع اول** مانند زمان حضور امام معصوم علیه السلام در بین مردم می باشد که هم مردم وهم امامان آن ها را با چشم سر می دیدند و با هم سخن می گفتند. مشکلات خود را به کمک امامان برطرف می کردند. حتی بعضی از افراد از راههای دور مثل خراسان به مدینه محل اقامت امامان می رفتند تا سئوالات خود را رودررو از امام بپرسند.

**اما نوع دوم** در مورد رابطه ما با امام غایب است به این معنا که امام غایب ما را می بیند اما ما او را نمی بینیم و یا اگر می بینیم نمی شناسیم.

### **یک نمونه**

« علامه حلی در شبی از شبهای جمعه تنها به زیارت قبر مولایش ابی عبدالله الحسین علیه السلام می رفت. ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه ای برای راندن آن به دست داشت. اتفاقاً در اثنای راه شخصی پیاده در لباس اعراب به او برخورد کرد و با ایشان همراه شد.

در بین راه شخص عرب مسأله ای را مطرح کرد. علامه حلی (ره) فهمید که این عرب، مردی است عالم و بااطلاع، بلکه کم مانند و بی نظیر؛ لذا بعضی از مشکلات خود را از ایشان سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد با کمال تعجب دید ایشان حلال مشکلات و معضلات و کلید معماها است.

باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود، سؤال نمود و از شخص عرب جواب گرفت و خلاصه متوجه شد که این شخص علامه دهر است؛ زیرا تا به آن وقت کسی را مثل خود ندیده بود ولی خودش هم در آن مسائل متحیر بود. تا آن که در اثناء سؤالها، مسأله ای مطرح شد که آن شخص در آن مسأله به خلاف نظر علامه حلی فتوا داد. ایشان قبول نکرد و گفت: این فتوا برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی را که مدرک آن باشد، نداریم.

آن جناب فرمود: دلیل این حکم که من گفتم، حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است. علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و من به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند. آن مرد فرمود: آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار ورق بشمار در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می کنی.

علامه با خود گفت: شاید این شخص که در رکاب من می آید، مولای عزیزم حضرت بقیه الله روحی فداه باشد؛ لذا برای این که واقعیت امر برایش معلوم شود در حالی که تازیانه از دستش افتاد، پرسید: آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان علیه السلام امکان دارد یا نه؟

آن جناب چون این سؤال را شنید، خم شد و تازیانه را برداشت و با دست باکفایت خود در دست علامه گذاشت و در جواب فرمود:

« چطور نمی توان دید و حال آن که الان دست او در دست تو می باشد؟ »

همین که علامه این کلام را شنید، بی اختیار خود را از روی حیوانی که بر آن سوار بود بر پاهای آن امام مهربان، انداخت تا پای مبارکش را ببوسد که از کثرت شوق بیهوش شد.

وقتی بیهوش آمد کسی را ندید و افسرده و ملول گشت. بعد از این واقعه وقتی به خانه خود رجوع نمود، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود، مشاهده کرد و در حاشیه کتاب تهذیب خود نوشت: این حدیثی است که مولای من صاحب الامر علیه السلام مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: در فلان ورق و فلان صفحه و فلان سطر می باشد.

آقا سید محمد، صاحب مفاتیح الاصول فرمود: من همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن کتاب به خط علامه، مضمون این جریان را مشاهده کردم.<sup>۲</sup>

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی شاید که نظر افکند آگاه نباشی

حال این **سؤال** مطرح می شود چرا خداوند متعال رابطه با 13 امام را از نوع اول قرار داده است ولی رابطه با یک امام را از نوع دوم قرار داده است؟ در واقع فلسفه و حکمت انتخاب این روش چیست؟

### فلسفه غیبت چیست؟

قبل از اینکه به این پرسش پاسخ بدهیم ابتدا یاد آور می شویم که برخی از پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام نیز مدتی به دور از مردم زندگی کرده اند و در واقع آنان به نحوی غیبت را تجربه نموده اند. به عنوان مثال حضرت صالح، یونس، موسی، عیسی، خضر علیهم السلام و... به علل و جهاتی غیبت اختیار کرده، و از انظار مردم پنهان می شدند!

1- **حضرت خضر:** به تصریح قرآن کریم حضرت موسی قبل از دور، غیبت با او آشنا شده، از علم او بهر مند می شد، او با اینکه از دیدگان پنهان بود هرگز از حوادث و اوضاع زمان غفلت نداشت. و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود در اموال و نفوس تصرف می کرد و اوضاع را طبق مصالحی رهبری می نمود. داستان وی با حضرت موسی - علیه السلام - در قرآن (ایات 59 تا 82 کهف) ذکر شده است.

2- **غیبت حضرت موسی بن عمران (ع):** طبق تصریح قرآن حضرت موسی چهل روز تمام از بنی اسرائیل دوری گزید [2]. تا اینکه این مدت سپری شد و دوباره به سوی قومش برگشت.

3- **و همچنین داستان یونس (ع):** وقتی قوم او بر مخالفت خود افزودند و او را سرزنش کردند، حضرت یونس علیه السلام از میان آنها بیرون رفت به طوری که هیچ کس نمی دانست او کجاست!

طبق تصریح قرآن کریم حضرت یونس مدتی در شکم ماهی محبوس و از دیدگان امت خود پنهان بود.<sup>۳</sup>

2. این داستان را آقا سید محمد، صاحب مفاتیح الاصول و مناهل الفقه، از خط علامه حلی، که در حواشی بعضی کتبش آورده، نقل کرده است.

3. داستان حضرت یونس در سوره ی انبیاء، آیه 87 و صافات، آیه 140 به بعد آمده است.

خداوند او را به جهت مصلحتی در شکم ماهی زنده نگه داشت. سپس او را بیرون آورده و سالم به سوی قومش باز گردانید!

**4- داستان غیبت حضرت عیسی (ع):** یهود و نصاری بر کشته شدن وی اتفاق دارند، اما خداوند می فرماید: **وقولهم انا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم و ان الذين اختلفوا فيه لفي شك من الله انهم به من علم الا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً. بل رفعه الله الیه و كان الله عزیزاً حکیماً؛** و گفتارشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم در حالی که نه او را کشتند و نه بدار آویختند، لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند.<sup>4</sup>

عیسی بن مریم هم اکنون زنده و غایب است و طبق روایات در زمان ظهور مهدی روحی فداه از آسمان به زمین فرود می آید.

چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: **"یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شره الماء فیقول المهدی: تقدّم صلّ بالناس فیقول عیسی: اقیمت الصلوة لک، فیصلی خلف رجل من ولدی؛** یعنی مهدی متوجه می شود که عیسی فرزند مریم از آسمان فرود آمده و گوئی از موهای سر و صورتش آب می ریزد، مهدی روحی فداه به او می گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان، حضرت عیسی (ع) می گوید: نماز باید به وسیله شما اقامه شود، پس عیسی پشت سر مردی از فرزندان من ایستاده و نماز می خواند.<sup>5</sup>

**5- غیبت حضرت صالح (ع):** حضرت صالح از پیامبران عظیم الشان است و نام مبارکش 9 بار در قرآن آمده و از حیث زمان بعد از نوح و قبل از ابراهیم (ع) بوده است.

حضرت صالح بر قوم ثمود که مردمی بت پرست بودند مبعوث شد. ایشان مدتی از نظر قومش غایب شد، صالح در روز غیبت مردی کامل و دارای شکمی هموار و اندامی زیبا، و محاسنی انبوه، و گونه های کم گوشت، میانه بالا و متوسط القامه بود، پس از غیبت چون به سوی قوم بازگشت تغییر کرده بود و او را نشناختند. و در موقع بازگشت وی، قومش سه دسته شدند:

صالح گفت: من همان صالح هستم که ناقه را برای شما آوردم، گفتند درست می گویی منظور ما نیز پرسش از همین مطلب بود، ولی بگو بدانیم ناقه چه علائمی داشت؟!

صالح گفت: علامت ناقه (شتر) این بود که یک روز برای خوردن آب به آبشخور می رفت و روز دیگر آن را برای

4. نساء/156.

5. یوسف بن عبدالعزیز الشافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، تعلیق علی نظری منفرد، (قم، انتشارات نصاب، المطبعة الاولى، 1416 هـ ق) ص 38.

شتران دیگر می گذاشت. گفتند درست گفتی، ما به خدا و آنچه تو از نزد او آوردی ایمان 1- دسته اول منکر وی شدند.

2- دسته دوم مشکوک بودند. 3- دسته سوم یقین داشتند که او صالح پیغمبر است.

اینها نمونه هایی چند از غیبت انبیاء و اولیای الهی بود. بنابراین معلوم شد که غیبت مختص به امام زمان (عج) نبوده است؛ بلکه طبق بیان آیات و قرآن و روایات فراوان بعضی از انبیاء و اولیاء قبل از ایشان نیز غیبت داشته اند.

**اکنون می پرسیم که علت و حکمت غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟**

در پاسخ به این سؤال همانند بسیاری از سئوالاتی که از امامان معصوم علیهم السلام پرسیده شده است.

حضرات معصومین علیهم السلام جواب های متعددی به اندازه ی استعداد و فهم سوال کننده بیان فرمودند که به برخی از این جواب ها اشاره می کنیم:

#### 1- راز ناگفتنی

اولین جوابی که از زبان مبارک امامان معصوم علیه السلام در روایات به دست می آید این است که مسئله فلسفه ی غیبت، سری از اسرار عالم هستی است و علت و سبب اصلی آن، برای مردم مخفی است و ائمه اطهار آن را برای کسی بازگو نکردند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به جابر فرمودند: ای جابر! همانا این امر، امری است از اوامر خداوندی و سری است از اسرار الهی که بر بندگان او پوشیده است؛ پس مراقب باش که دچار شک و تردید نشوی، همانا شک درباره خدا کفر است.<sup>6</sup>

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت صاحب الامر به ناچار غیبتی خواهند داشت، به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند.

عرض کردم: چرا؟ فرمود: مأذون نیستیم (اجازه نداریم) علتش را بیان کنیم.

گفتم: حکمتش چیست؟

فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجّت های گذشته وجود داشت، در غیبت آن جناب نیز وجود دارد. اما حکمتش ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور او ...

ای پسر فضل! موضوع غیبت سری است از اسرار خدا و غیبی است از غیوب الهی. چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود گرچه تفصیلهایش برای ما مجهول باشد.<sup>7</sup>

#### 2- آزمایش انسان

بدون شک یکی از سنت های الهی در مورد بندگان امتحان و آزمایش است. افرادی که ایمان واقعی دارند در برابر

6 - کمال الدین و تمام النعمه

7 - بحار الانوار، ج 52، ص 91

همه سختی ها و مشکلات ایمان خود را از دست نمی دهند، بلکه چون به سنت الهی آشنا هستند ایمانشان نیز تقویت می شود و این امر در تکامل روحی آنان نقش بسیار مهمی دارد؛ برخلاف افرادی که از اعتقاد سستی برخوردارند، با کوچک ترین ناملازمات ایمان خود را از دست می دهند.

مسئله ی غیبت امام عصر نیز یکی از مسائلی است که خداوند به وسیله ی آن بندگانش را مورد آزمایش قرار داده است تا به واسطه انتظار و صبر بر شداید و ایمان به غیب تربیت یافته و به کمال برسند .

جابر جعفی می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما چه هنگام خواهد بود؟ حضرت فرمودند: **هیهات هیهات لا یكون فرجنا حتی تُغربلوا ثم تُغربلوا ثم تُغربلوا یقولها ثلاثا حتی یدهب الکدر و یرقی الصفو؛ هیهات هیهات** {سه بار تکرار کرد } فرج ما فرا نمی رسد تا زمانی که شما غربال شوید ، تا خداوند ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است باقی نهد .<sup>۸</sup>

### 3- حفظ جان

از آن جایی که همه ی امامان معصوم علیهم السلام دشمنان قسم خورده ای داشته اند که درصدد قتل و نابودی آنان بر آمده اند؛ لذا خداوند به وسیله غیبت جان آن حضرت را از خطر مرگ نجات داده است تا زمین از حجت الهی خالی نماند .

زراره می گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: قائم باید غایب شود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: از کشته شدن می ترسد ...<sup>۹</sup>.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند: **اذا قام القائم تلا هذه الآية: ففررت منکم لما خفتکم فوهب لی ربی حکما وجعلنی من المرسلین**<sup>۱۰</sup>؛ آن گاه که قائم قیام فرماید این آیه را تلاوت خواهد کرد و چون از شما ترسیدم از شما گریختم تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد .<sup>۱۱</sup>

### 4- رهایی از بیعت ستمگران

وقتی زندگی امامان معصوم علیهم السلام را مطالعه می کنیم متوجه می شویم که در پاره ای از مواقع آنان ناچار بودن با ظالمان ستمگر و حاکمان خونخوار زمان خود پیمان صلح امضاء کنند اما از آنجایی که خداوند متعال بنا دارد با ظهور آخرین ذخیره امامت و ولایت بساط طاغوت را برچیند و حکومت نبوی را که بر پایه ی عدل و داد می باشد در جامعه گسترش دهد؛ لذا حضرت در زمانی ظهور می کند که مجبور نشود با هیچ یک از آنان بیعت نماید .

8 - کتاب الغیبه ، ص 339 .

9 - اثبات الهداه، ج 6، ص 437.

10 - شعراء / 21 .

11 - الغیبه ص 174 ح 11 .

امام حسن مجتبی علیه السلام - آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین، تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند - چنین فرمود:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست مگر این که بیعت با ستمگری برگردن او قرار می گیرد، جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را پنهان و شخصش را مخفی می سازد، تا آن گاه که قیام می کند بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.<sup>۱۲</sup>

حضرت مهدی در توقیعی در پاسخ به برخی پرسش ها می فرمایند: درباره علت غیبت پرسش کرده بودید خداوند در قرآن کریم می فرماید: ای اهل ایمان از چیزهایی پرسش نکنید که اگر برای شما روشن شود ناراحت می شوید.<sup>۱۳</sup> بدانید که هر کدام از پدران من بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من هنگامی که قیام می کنم بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت های زمان برگردن ندارم.<sup>۱۴</sup>

#### 5- نبود یاوران واقعی

یکی از اصلی ترین دلایل غیبت حضرت، نداشتن یاور و کسانی است که حضرت با کمک آنان بتوانند بر دشمنان پیروز و زمام امور جهانی را با دست با کفایت خودشان هدایت و رهبری نمایند.

با نگاهی به تاریخ زندگانی امامان معصوم علیهم السلام مشاهده می کنیم که آن بزرگواران به دلیل نبود یا کمبود یاور حقیقی، با شکست مواجه شده و یا اصلاً اقدام به نبرد مسلحانه نمی کردند. نمونه روشن آن در قیام امام حسن مجتبی علیه السلام است که وقتی دشمن تهدید و تطمیع کرد، برخی از کسانی که به ظاهر در گروه و جبهه حضرت بودند حاضر شدند حضرت را به قتل برسانند. یا در مورد امام حسین علیه السلام هم تعداد کم یاوران حضرت مشهور است.

به عبارت دیگر خیلی ها می گویند که امام زمان علیه السلام را دوست داریم و منتظر قدوم مبارک ایشان هستیم، ولی متأسفانه این گونه ادعاها بیشتر زبانی بوده و در مقام عمل ظهوری ندارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: شما مردمانی هستید که در قلبهایتان ما را دوست دارید، ولی عملکردهایتان با دوستی ما سازگار نیست و به همین دلیل است که صاحب شما از شما مخفی شده است.<sup>۱۵</sup>

و امام کاظم علیه السلام فرمود: اگر در میان شما به اندازه مجاهدان جنگ بدر (313 نفر) یاور وجود داشت، قائم آل محمد (ص) قیام می کرد.<sup>۱۶</sup>

**در اینجا یک سؤال به ذهن می رسد و آن هم اینکه اگر امام زمان علیه السلام ظاهر بود چه محذوری داشت؟**  
به عبارت دیگر اگر امام زمان علیه السلام در میان بشر ظاهر بود و در یکی از شهرهای جهان زندگی می کرد و رهبری

12 - کمال الدین و تمام النعمه ص 315.

13 - مائده/ 101.

14 - الغیبه ص 220.

15 - بحار الانوار، ج 52، ص 110.

16 - مشکات الانوار، ص 63.



دینی مسلمین را به عهده داشت، و با همین روش به زندگی ادامه می داد تا هنگامی که اوضاع عالم مساعد می شد؛ و دستگاه کفر و ستم را برمی چید، این فرض چه مانعی داشت؟

این فرضیه خوبی است؛ ولی باید حساب کرد که چه نتایج و عواقبی را در بردارد. موضوع را باید طبق جریان عادی، تشریح کرد:

با توجه به این که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام کراراً به مردم گوشزد کرده بودند که دستگاه ظلم و ستم، عاقبت به دست مهدی موعود برچیده می شود و کاخ های بیدادگری را واژگون خواهد نمود، از این جهت، وجود مقدس امام زمان - ارواحنا فداه - همواره مورد توجه دو دسته مردم واقع می شد:

دسته اول: مظلومین و ستم دیدگان که متأسفانه همیشه عدّه آنان زیاد بوده و هستند و آنان به قصد تظلم و امید و حمایت و دفاع، دور وجود امام زمان علیه السلام اجتماع نموده، تقاضای نهضت و دفاع می نمودند؛

دسته دوم: زورگویان و ستمکاران خونخوار، که بر ملت محروم تسلط یافته و در راه رسیدن به منافع شخصی و حفظ مقام خویش از هیچ عمل زشتی پروا ندارند. این عده حاضرند تمام مردم را فدای مقام خود کنند. این گروه چون وجود مقدس امام را سدّ راه منافع و مقاصد شوم خود تشخیص می دادند و ریاست و فرمانروایی خویش را در خطر می دیدند، ناچار بودند وجود مقدس آن جناب را از میان بردارند و خودشان را از این خطر بزرگ برهانند و در این تصمیم اساسی - که حیاتشان بدان وابسته بود - با هم متحد شده و تا وقتی که ریشه عدالت و دادخواهی را قطع نمی کردند، هرگز از پای نمی نشستند.

### **(جهت مطالعه استاد محترم)**

#### **• آشنایی با انواع شیشه ها**

##### **1- شیشه های آبدیده (سکوریت)**

انواع مختلف شیشه را می توان بصورت سکوریت (ایمن شده) تبدیل نمود. در سکوریت کردن، شیشه ها تحت اثر عملیات حرارتی قرار می گیرند. این عملیات به شیشه خواص مکانیکی استثنایی می دهد، مقاومت آن افزایش پیدا کرده و در موقع شکستن، شیشه های آبدیده به تکه های کوچک تقسیم شده و احتمال بریدگی را کاهش می دهد.

استفاده از شیشه معمولی (غیر سکوریت) در ساختمانهای بلند مرتبه در صورت بروز حادثه اعم از طبیعی مانند زلزله یا حوادث ناشی از دخالت بشر، خطر آسیب دیدگی جدی و حتی مرگ به همراه دارد، چرا که شیشه شکسته شده به صورت قطعات بزرگ در هوا شناور می شود و شعاع زیادی را در معرض خطر قرار می دهد. بکارگیری شیشه های سکوریت بعلت شدن شیشه در صورت شکست و ریزش پای ساختمان خطرات احتمالی را به حداقل ممکن کاهش می دهد.

##### **2- شیشه های دو جداره (double glazing)**

شیشه دوجداره از ترکیب دو لایه شیشه و یک لایه جدا کننده آلومینیومی که با رطوبت گیر (سیلیکاژل) پر شده است ساخته می شود .  
بین دو لایه شیشه را می توان با گاز آرگون (عایق حرارتی) یا ( SF6 عایق صوتی) یا ترکیبی از آن دو پر نمود .  
از مزایای این نوع شیشه در در پنجره های ساختمانها :

### 3- شیشه های رفلکتیو

به شیشه هائی گفته می شود که دارای پوششهایی به رنگهای متفاوت می باشند و باعث انعکاس نور می گردند. این نوع شیشه ها هم به لحاظ زیبایی و هم از جهت انعکاس نورهای مزاحم به کار برده می شوند.

### 4- شیشه های Low-E

به شیشه هائی گفته می شود که دارای پوشش خاصی باشند. این پوشش بیرنگ است و باعث می گردد که پرتوهای نوری با طول موج پایین (یا اشعه با انرژی بالا) وارد ساختمان شوند، اما اجازه خروج این اشعه را که پس از برخورد با اسباب و اثاثیه داخل منزل طول موجش افزایش می یابد نمی دهد. بنابر این انرژی گرمائی در داخل ساختمان ذخیره می گردد.

### 5- شیشه های سیمی (wired glass)

به شیشه هائی گفته می شود که هنگام تولید بعد از مرحله ذوب و هنگام شکل دهی ، یک لایه تور سیمی داخل شیشه قرار می گیرد. کاربرد این شیشه ها برای جلوگیری از حریق می باشد و غالباً در آسانسورها بکار می رود.

### 6- انواع دیگر

غیر از مواردی که ذکر شد انواع دیگر شیشه برای مصارف گوناگون وجود دارد. این شیشه ها عبارتند از : شیشه طلقی، ضد آتش، ضد گلوله، شیشه حافظ مواد رادیو اکتیو، شیشه های نقش دار برای دکوراسیون داخلی ساختمان، شیشه های ویترو، آجر شیشه ای، شیشه خم برای اتومبیل و ساختمان، شیشه ضد دزد، شیشه ضد صدا، شیشه مخصوص پشت بام کارگاهها و شیشه های مسلح (سیم دار).

### انواع شیشه

معروف ترین شیشه هایی که در مقیاس صنعتی تولید می شوند، عبارتند از شیشه های سودالایم (شیشه جام)، شیشه های بوروسیلیکاتی و شیشه های کریستال.

#### • شیشه سودالایم (سودا-لایم-سیلیکا)

بیشتر از ۹۵ درصد از میزان کل شیشه تولیدی در جهان، شیشه سودالایم است. شیشه های در و پنجره ساختمان، شیشه های خودرو، بطری ها و بسیاری دیگر از محصولات شیشه ای روزمره از جنس شیشه سودالایم هستند. مهمترین اجزای تشکیل دهنده این نوع شیشه عبارتند از اکسید سیلیسیم، اکسید کلسیم و اکسید سدیم.

#### • شیشه بورو سیلیکات

این نوع شیشه ها ضریب انبساط حرارتی کم تا متوسط داشته، رفتار ویسکوزیته-دمای بلند و چگالی کمی دارند. بسیاری از ظروف شیشه ای آزمایشگاهی، صنعتی و خانگی با استفاده از این نوع شیشه ساخته می شوند. این شیشه ها در بازار با نام های تجارتنی مانند پیرکس، سیماکس، ترکس و ... شناخته می شوند.

#### • شیشه کریستال

شیشه کریستال یا شیشه سرب دار یکی از انواع شیشه های سیلیکاتی است که در ترکیب خود حاوی اکسید سرب است. این نوع شیشه، دارای ظاهری درخشانده و شبیه به کریستال های کوارتز است و به نظر می رسد علت نامگذاری آن نیز همین شباهت باشد. این شیشه ها

همچنین سختی کمی دارند و امکان تراشکاری این شیشه‌ها وجود دارد. بنابراین ظروف تزئینی موسوم به ظروف کریستال از این جنس ساخته می‌شوند.

## • چند پرسش و پاسخ

### وقتی که امام زمان علیه السلام از شهادت ابایی ندارد، پس غیبت چرا؟

امام زمان علیه السلام اگر در راه اصلاح جامعه و ترویج دین و دفاع از مظلومین شهید می‌شد چه مانعی داشت؟ مگر خون او از خون پدران و جدش عزیزتر است؟ وقتی که امام زمان علیه السلام از شهادت ابایی ندارد، پس غیبت چه توجیهی دارد؟

**جواب:** امام غایب نیز مانند پدرانش از کشته شدن در راه دین باکی نداشته و ندارد. لیکن در عین حال، کشته شدنش به صلاح بشریت و دین نیست. زیرا هر یک از پدرانش که از دنیا رحلت می‌نمود دیگری جانشین می‌شد، ولی امام زمان علیه السلام اگر کشته شود جانشینی ندارد و زمین از حجت خالی می‌گردد. در صورتی که مقدر شده است که عاقبت، حق بر باطل غالب شود و به واسطه وجود مقدس امام دوازدهم، دنیا به کام حق پرستان گردد.

### مگر خدا قدرت حفظ امام را ندارد؟

مگر خدا قدرت ندارد وجود امام زمان را از شر دشمنان نگهداری کند؟

**جواب:** با این که قدرت خدا محدود نیست لیکن کارها را بر طبق اسباب و از مجرای عادی انجام می‌دهد. بنا نیست برای حفظ وجود مقدس انبیا و ائمه و ترویج دین، از روش عمومی اسباب و علل دست بردارد و بر خلاف جریان عادی عمل کند و گرنه دنیا دار تکلیف و اختیار و امتحان نخواهد شد.

### شاید ستمکاران تسلیم می‌شدند؟

اگر آن حضرت ظاهر بود، کفار و ستمکاران چون دسترسی به وی داشتند و می‌توانستند سخنان حقش را استماع نمایند، احتمال داشت در صدد قتلش بر نیایند؛ بلکه به دستش ایمان بیاورند و از رفتارشان دست بردارند.

**جواب:** هر کسی در مقابل حق تسلیم نمی‌شود؛ بلکه از آغاز عالم تا حال، همیشه گروهی در بین بشر وجود داشته‌اند که دشمن حق و درستی بوده و برای پایمال کردن آن با تمام قوا کوشیده‌اند. مگر پیامبران و ائمه اطهار، حق نمی‌گفتند؟ مگر سخنان حق و معجزاتشان در دسترس ستمکاران نبود؟ با وجود آن، در نابود کردن آنان و خاموش نمودن چراغ هدایت از هیچ عملی پروا نکردند. حضرت قائم 4 نیز اگر از ترس ستمکاران غایب نشده بود به سرنوشت آنان گرفتار می‌شد.

### چرا غیبت به دو صورت صغری و کبری محقق شده؟

مراد از غیبت صغری و کبری چیست؟

**جواب:** امام دوازدهم دو مرتبه از دیده مردم مخفی شد. مرتبه اول از سال تولدش - 255 یا 256 هـ.ق - یا از سال وفات پدرش - سال 260 هـ.ق - شروع شد و تا سال 329 هـ.ق امتداد یافت. در طول این مدت گرچه از نظر عامه مردم غایب بود لیکن ارتباطات او کاملاً منقطع نبود؛ بلکه نوآب خاص خدمت ایشان رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می‌نمودند. غایب بودن در این 69 یا 74 سال را غیبت صغری گویند.

غیبت دوم از سال 329 هـ.ق، که سال اتمام نیابت خاصه بود، شروع شد و تا زمان ظهور امتداد دارد. این را غیبت کبری گویند. پیغمبر اکرم و ائمه اطهار: قبلاً از وقوع این دو غیبت خبر داده بودند. از باب نمونه:

اسحاق بن عمار می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «قائم را دو غیبت خواهد بود یکی طولانی و دیگری کوتاه.

در غیبت اول شیعیان خاص جایش را می‌دانند، ولی در دومی جز خواص او، کسی از جایش اطلاع ندارد.<sup>۱۷</sup>

### چرا از اول غیبت کامل واقع نشد؟

غیبت صغری چه فایده‌ای داشت؟ اگر بنا بود اما زمان غایب شود، چرا از همان زمان وفات امام حسن عسکری علیه السلام غیبت کامل شروع نشد؟

**جواب:** غایب شدن امام و رهبر جامعه، آن هم، زمانی طولانی امری است بس غریب و غیر مأنوس و باور کردنش برای مردم دشوار است؛ از این جهت، پیغمبر و ائمه اطهار(ع) تصمیم گرفتند که کم کم مردم را با این موضوع آشنا سازند و افکار را برای پذیرش آن آماده نمایند؛ لذا گاه و بی‌گاه از غیبتش خبر داده گرفتاری‌های مردم آن عصر و انکار و سرزنش منکرین و ثواب ثبات قدم و انتظار فرج را گوشزد می‌نمودند. گاهی هم با رفتارشان عملاً شبیه غیبت را فراهم می‌ساختند. اگر بعد از رحلت امام حسن عسکری 7 غیبت کامل شروع می‌شد شاید وجود مقدس امام زمان علیه السلام مورد غفلت واقع شده و کم کم فراموش می‌گشت، از این جهت، ابتدا غیبت صغری شروع شد تا شیعیان در آن ایام، به وسیله نواب با امام خود تماس گرفته علایم و کراماتی را مشاهده نمایند و ایمانشان کامل گردد. اما هنگامی که افکار مساعد گشت و آمادگی بیشتری پیدا شد غیبت کبری شروع گردید.

### آیا غیبت کبری حدی دارد؟

**جواب:** حدی معین نشده؛ لیکن احادیث دلالت می‌کنند که مدتش به قدری طولانی می‌شود که گروهی به شک می‌افتند. از باب نمونه: امیرالمومنین علیه السلام درباره حضرت قائم فرمود: «غیبتش به قدری طولانی می‌شود که شخص جاهل می‌گوید: خدا به اهل بیت پیغمبر احتیاجی ندارد.»<sup>۱۸</sup>

حضرت سجاد علیه السلام فرمود: «یکی از خصایص نوح در قائم وقوع خواهد یافت و آن طول عمرش می‌باشد.»<sup>۱۹</sup>

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

### معاونت پژوهش

با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین فتحعلی زاده

17 - بحار الانوار، ج 52، ص 155.

18 - اثبات الهداه، ج 6، ص 393.

19 - بحار الانوار، ج 51، ص 217.